

پروفیسور دكتور عدنان بولنت بال اوغلى



ترور



پروفیسور دكتور عدنان بولنت بال اوغلى

ترور

---





انتشارات ریاست سازمان امور دینی ترکیه: ۱۷۶۵  
کتاب های عمومی: ۴۳۵

مدیر مسئول  
فاتح قورت

هماهنگ کننده  
ینوس یوکسل

ویراستار  
پروفیسور دکتور حوریه مارتی  
رقیه آیدوغدو دیمیر

مترجم  
پوه نمل دکتور سید مبین هاشمی

بررسی چاپ  
فاطمه باتکیتار

صفحه آرایی  
محمد علی قیرجا  
اوغور آلتونتوپ

چاپ  
Salmat Basım Yay. Amb. San. ve Tic. Ltd. Şti  
Tel : +90 312 341 10 24

۲. چاپ، انکارا - ۲۰۲۰  
تصمیم هیئت انتشارات آثار: ۰۵,۰۲,۲۰۲۰/۳۲  
۲۰۲۰.۰۶.Y.۰۰۰۳.۱۷۶۵  
ISBN ۹۷۸-۶۰۵-۷۷۵۱-۸۰-۵  
شماره گواهینامه: ۱۲۹۳۰

© ریاست سازمان امور دینی ترکیه

**ارتباط با ما**

مدیریت عمومی انتشارات دینی  
ریاست بخش انتشارات در زبان و لهجه های خارجی  
Dini Yayınlar Genel Müdürlüğü  
Yabancı Dil ve Lehçelerde Yayınlar Daire Başkanlığı  
Üniversiteler Mah. Dumlupınar Bulvarı  
No:147/A 06800 Çankaya/ANKARA  
Tel: +90 312 295 72 72 81  
Faks: +90 312 284 72 88  
e-posta: yabancidiller@diyanet.gov.tr  
www.diyanet.gov.tr



هشام بن حکیم بن حازم از جمله اصحابی بود که در وقت فتح مکه مسلمان شده بودند. پدرش حکیم برادر زاده حضرت خدیجه و دوست دوران جوانی پیامبر اکرم (ص) بود. این شخص جسور و سخاوتمند عصر پیامبر، بعد از وفات پیامبر (ص) نیز سال های زیادی در قید حیات مانده است.

در وقت خلافت حضرت عمر (رضی الله عنه) یکی از روز ها هشام در منطقه شام دید که گروهی از دهاقین روی سرشان روغن زیتون ریخته شده و در زیر آفتاب نگهداری می شوند؛ علت اذیت آنها را در این گرمی طاقت فرسا پرسید و گفت که جرم این آدم ها و سبب تعمیل خشونت در مقابل آنها چیست؟ برایش جواب داده شد که آنها به خاطر عدم پرداخته مالیه شان تابع چنین جزا شده اند؛ درحالیکه قانون، نظام و سنت همه در ممنوع این مورد واضح و موجود بود.

در این حالت هشام بن حکیم لحظه ای گذشته را فکر مرد و چنین گفت: “من شنیدم که پیامبر (ص) چنین گفتند: در این جهان کسانی که اقدام به شکنجه افراد می کنند به عذاب الله گرفتار می شوند.”

این صحابه عادل و مهربان حادثه را نادیده نگرفت؛ بلکه به اشتباه پیش آمده مداخله کرد و عکس العمل نشان داد. زیرا می دانست که نفرت به کابوس و کابوس به ترور تبدیل می شود. وی نزد والی وقت فلسطین جناب عمیر بن سعد رفته آن چیزی را که دیده بود، برایش بیان نمود. بعدا بنا بر هدایت والی فلسطین دهاقین درحال آزاد گردیدند (مسلم، بر و صله،

۱۱۷-۱۱۸).



## خشونت چه وقت شروع شد؟

خشونت یکی از کهنترین پدیده های تاریخ است. حتی اگر بگوییم خشونت با اولین جمعیت انسان به میان آمده است، اشتباه نگفته ایم. زیرا وقتی که قابیل پسر حضرت آدم (ع) به خاطر حرص و بخل زیاد برادرش حابیل را به ناحق به قتل رساند، از نگاه تاریخی اوج خشونت، تباهی و سرکشی را شروع کرد. چنانکه در قرآن کریم آمده است او (قابیل) بدون هیچ ترس الهی و با بی وجدانی برادر خود را به قتل رساند. اما وقتی که ندامت کشید، کار از کار گذشته بود و او برحال خودش افسوس می خورد (مائده، ۳۰-۲۷/۵). بعد از این حادثه او به نام قاتل برادر به یاد آمد. از این هم بدتر اینکه او با کسب صفت ظالم اولین انسان دوزخی به شمار رفت.

قابیل فریب وسوسه شیطان را خورده، بزرگ ترین بدی را که یک انسان به انسان دیگر روا می دارد، انجام داده بود و با قتل یک انسان آنهم برادر تنی اش تنها یک نفر را؛ بلکه انسانیت را از بین برده بود. اولین خون در روی زمین به همین شکل

ترور تنها مرز و  
وجدان را از بین  
نمی برد؛ بلکه در  
عین زمان احساس  
محبت، برادری،  
شفقت و مهربانی را  
نیز با خود می برد.







ریخته شد. از همان روز بدینسو نه خون جاری  
توقف کرد نه اشک های چشم.

از شروع آتش فتنه و خرابی با دست قاییل هزاران  
سال گذشت اما با گذشت زمان ظلم و دشمنی  
های موجود بین جوامع و اقوام هیچ کم نشد.  
صفحات تاریخ با جنایات مختلف که از روی  
بخیلی، کین و نفرت انجام یافته است، پر شده  
است.

حجم خشونت و قوت تخریب آن با دسترسی  
انسان ها به تکنولوژی و امکانات هر روز در حال  
بزرگ تر شدن است. امروز با فشار روی یک دکمه  
صدها، هزارها و میلیون ها انسان در یک وقت  
از بین برده می شود. خشونتی که توسط دست  
انسان ها تولید شده است تنها مرز و وجدان را از  
بین نمی برد؛ بلکه در عین زمان احساس محبت،  
برادری، شفقت و مهربانی را نیز با خود می برد.  
چیزی که بعد از خشونت باقی می ماند تنها درد  
است و الم است و خرابی.

ترور عبارت است از انکار

جامعه، تاریخ، فرهنگ،

تمدن و ارزش های

مشترک انسانی!

## چیستی ترور؟

در عصر مدرن، ظلم و خشونت‌هایی که انسان به انسان دیگر روا می‌دارد به نام ترور یاد می‌شود. ریشه این واژه لاتینی بوده و اولین کسانی که آن را وارد فرهنگ سیاسی ساختند، فرانسوی‌ها بودند. تاریخ استفاده آن بر می‌گردد تا قرن شانزدهم میلادی. به طور خلاصه ترور به معنی ترسی است که عقل انسان را از سرش می‌گیرد. حوادث خونینی که بین سال‌های ۱۷۹۲ الی جولای ۱۷۹۴ رخ داده است در تاریخ فرانسه به حیث یک لکه سیاه ثبت گردیده و به آن عصر ترور گفته شده است. در این وقت حکومت انقلابی که کودتا را انجام داده با گیوتین که در فیلم‌ها و رمان‌ها به نام تیغ ملی شهرت پیدا کرده بود، سر هزاران انسان را از تنش جدا کرده است. به مرور زمان اصطلاح بمب ترور پیدا شد و اولین کسانی که این اصطلاح را وارد حافظه‌ها ساختند، آلمان‌هایی بودند که در سال ۱۹۴۱ میلادی روتردام را بمبارد کردند.

بشر، قرن بیست و یک را در سایه جنگ‌ها، قتل‌عام‌ها، کمپ‌های تجمع، اسلحه‌های شیمیایی و

امروز تراژیدی  
های موجود  
در هر گوشه  
امروز تراژیدی های  
موجود در هر  
گوشه دنیا در  
نتیجه اعمال  
جنايات كارانه  
راه قابيل همچنان  
به حالت مسلك  
درآودن خراب  
کردن و قتل بی  
گناهان، به وقوع  
پیوسته است.

هسته‌یی، جنگ‌های چریکی و اعمال تروریستی سپری کرده است. اما متأسفانه این تابلو در اوایل قرن بیست و یک نیز تغییر نکرده است. امروز تراژیدی‌های موجود در هر گوشهٔ دنیا در نتیجه اعمال جنایات کارانهٔ تعقیب‌کنندگان راه‌قایل همچنان به حالت مسلک درآودن خراب کردن و قتل بی‌گناهان، به وقوع پیوسته است. انسانیت از یک طرف در بین جنگ‌های دوامدار از سوی دیگر در عذاب دشمنان جان‌بشر که به نام تروریست یاد می‌شوند، گیر مانده است.

امروز تقریباً هیچ کشوری نیست که ترور به آن سرایت نکرده یا تروریست آن را تهدید نکرده باشد. حتی جزیره‌های مرفه و آرام غرب نیز از بلای ترور در امان نیست. هیچ‌کس نمی‌تواند تخمین بزند که شمال ترور که نه دینش معلوم است و نه ملت‌اش روز دیگر به کدام ساحل می‌وزد. تمام کشورها نگرانی حملات تروریستی را داشته و به حالت آماده‌باش قرار دارند. به بیان دیگر می‌توان گفت ما انسان‌ها با مسائل روز ترور و جنگ در یک مرحله اضطراری به سر می‌بریم. اضطراب، بی‌اعتمادی و ترس به اوج خود

رسیده و هدف عاملین و کارگردانان ترور نیز همین است.

از روی اعمال تروریستی چقدر خانه خراب شد، چقدر عسکر جوان، معلم و پولیس در کمین ها شهید شدند. چقدر جوان فریب خورد یا زورکی به دستش اسلحه داده شد. چقدر انسان های معصوم و بی گناه اسکان اصلی شان را ترک کردند؛ نزدیکان و عزیزان شان را از دست دادند. چه تعداد زیاد کودک بی خبر از زندگی، یتیم و کودک ابدی ماندند. شهر ها خراب شد و ثروت ملی به هدر رفت. حافظه شهر های خراب شده نسبت به زندگی اجتماعی و تاریخ همچنان پاک شد. میراث ترور تنها خرابی جاده های اسفالت نیست؛ بلکه خستگی، مشکلات عاطفی و خاطره های تلخی که از حافظه چندین نسل پاک نمی شود، نیز میراث آن است.

ایتلاف های کثیفی که شکل گرفته انسانیت را به فغان آورده است. ایتلاف های کثیف بی رحم خونخوار که متکی به روابط منفعتی اند، بدون تبعیض ملت، نژاد، رنگ، دین و جنس به انسانیت صدمه می رساند. گروهی از انسان ها که خود را جنگجویان نامغلوب دین، خدا یا یک ایدیولوژی

می پندارند، در جنگ های بی رحمی که خود به راه انداخته اند، انسانیت را با خون یکسان کرده اند. آنها از یکسو از طریق قربانی هایی که انتخاب کرده اند در فکر کسب مشروعیت هستند از سوی دیگر تاوان اشتباه شان را به دوش همه انسانیت تحمل کرده اند. این انسان ها که هیچ ارزش انسانی و اخلاقی را نمی شناسند به آتش کشیدن، خراب و نابود کردن و بالآخره به نابودی خود سوگند یاد کرده اند.

یک واقعیت محض وجود دارد و آن اینکه: تا سبب موجودیت این گروه های تروریستی از بین نرود و شبکه های که برای منفعت از اینها پشتیبانی می کنند، فاش نگردد، از بین بردن ترور امکان پذیر نیست. این بلای ترور که مثل یک توپ آتش، می چرخد و نه این و آن دولت را؛ بلکه منعیث یک مشکل جهانی تمام بشریت را مورد هدف قرار داده است. بنابراین تا وقتی که تمام ملت ها با این مشکل جهانی به شکل مشترک، مصمم و از ته دل مجادله نکنند توقف خون و اشک های جاری امکان ندارد. پاکیی هر نوع بدی و بس گفتن به مفسدین و خراب کاران، با تلاش تمام انسانها محقق خواهد گردید.



## ترور را می توان تعریف کرد؟

به این پرسش نمی توان در یک جمله پاسخ ارائه کرد. زیرا درک کردن و فهماندن ترور اینقدر آسان نیست. واژه های ترور، تروریسم و تروریست که با یکدیگر ارتباط دارند، کوله باری از موارد منفی را به اذهان تداعی می کنند؛ این واژه ها کم و بیش به اذهان همان معنی ها را می آورند:



ترور که با دین و ایمان، فضیلت  
و انسانیت، عقل و وجدان هر گز  
سر سازگاری ندارد  
در هرجا و در مقابل هر کس که  
باشد،  
مورد نکوهش است.



خوشونت، نفرت، اخنت. در سال های اخیر یک اصطلاح دیگر به نام تروری ساختن نیز وارد زبان شده است. در گذشته اصطلاح وحشت به معنی ترساندن و خاموش ساختن به کار می رفت. امروز این اصطلاح به معنی زدودن آرامش و سکونت، ایجاد توهم و ترس، آزار و اذیت و سبوتاز کردن صلح استفاده می شود. همچنان مداخله بی مورد و بیجا به یک حالت منظم و ایجاد بی نظمی و جنگ نیز با واژه ترور یاد می شود. بنا بر این نه تنها حوادث خونی؛ بلکه هر نوع خشونت، بی ارزشی، زورگویی، سرکشی و بی قانونی ترور را در ذهن انسان ها تداعی می کند.

با تکنولوژی های جدید و اینترنت ساحه و حوزه ترور نیز وسعت پیدا می کند. اعمال تروریستی را می توان از لحاظ هدف، کتله، روش، تأثیر و پشتیبانی شان تصنیف کرد. بنابراین می توان گفت یک تعریف که توسط همه قبول شده باشد، همه شمول، حقوقاً الزامی و جهانی از ترور موجود نیست. حکومت ها، محیط های اکادمیک، نهاد های استراتژیک و سازمان های استخباراتی هر کدام از لحاظ مواد های دست داشته و تجربیات شان در صدد تعریف چستی ترور هستند. خلص

## ترور

کلام اینکه هر چند تعریف‌ها تغییر هم کند اهداف سیاسی، دینی و ایدیولوژیک ترور هرگز تغییر نمی‌کند و ویژگی‌های زدودن آرامش، قتل، از بین بردن خانواده و تخریب‌اتش همیشه یکسان باقی می‌ماند.

به باور بعضی‌ها ترور عبارت از استفاده خشونت، تهدید یا استراتیژی جهت رسیدن به اهداف مشخص است. گروه دیگر را باور به این است که ترور عبارت است برای رسیدن به اهداف سیاسی از خشونت یا تهدید خشونت به غیر نظامیان. بعضی‌ها را باور به این است که ترور عبارت از استفاده نیروی فیزیکی و روانی به یک جامعه توسط یک فرد یا گروه جهت جلب دقت، تحمیل یک فکر و ایدیولوژی، تغییر دادن رژیم و به دست آوردن قدرت و نفوذ است.

به هر شکلی که باشد ترور عبارت از ظلم یک انسان به انسان دیگر، محیط، موجودات، اشیاء، طبیعت و حتی خود شخص می‌باشد. خواه این ظلم جغرافی باشد، خواه اجتماعی، خواه اخلاقی و خواه -انسانی، ترور اخلاقی تمام سرحدات و مرزها می‌باشد. با یک تعریف دیگر ترور عبارت از انکار جامعه، تاریخ، فرهنگ، تمدن و ارزش



## پاکی هر نوع بدی و بس گفتن به مفسدین و خراب کاران، با تلاش تمام انسانها محقق خواهد گردید.

های مشترک بشریت است. ترور نام تحریک نفرت دوامدار، کین بی پایان و عصبانیت شدید است. ترور عبارت از اعمال بدی است که توسط اذهان خراب و انسان های بی وجدان که ترس از خداوند و آخرت ندارند، انجام می یابد. ترور عبارت از تعدی و جذب غضب خداوند متعال با حرام شمردن حلال و حلال شمردن حرام می باشد. ترور عبارت از در تقابل قرار گرفتن با امر قرآنی است که خداوند متعال در این مورد گفته است «بعد از مستقر شدن در روی زمین فساد نکنید.» (الاعرف ۵۶/۷) و بنابراین از بین بردن صلح می باشد. همچنان ترور عبارت از گوش ندادن به سخنان پیامبر (ص) که گفته بود «یغما، خیانت و سرقت منع است» (الدارمی، السیر، ۵۰) و با سر پیچیدن از این امر غضب محقوق می باشد.

نتیجه اینکه به هر شکلی که ترور را تعریف کنیم، ترور عبارت است از مجموع حرکات تهدیدی یا نابود کننده در مقابل جان، مال، جامعه، نظام قانونی، دولت و نهاد ها جهت رسیدن به یک هدف سیاسی و اجتماعی است. بنابر این هر

کودکی که در دوران کودکی  
اش نیاز به امنیت دارد اما  
در سایه بی امنیتی، کابوس  
و ترس بزرگ شود یک آدم  
سالم چطور به بار آید؟





نوع حمله تجاوز کارانه علیه رفاه، صلح، اتحاد و  
برابری مشمول ترور می شود.

### هدف ترور چیست؟


اولین هدف ترور، ترساندن است. بنابراین عاملین  
ترور به هر اندازه که بتوانند انسان های بیشتری  
را بترسانند، میزان تخریب را بیشتر کنند و در  
رسانه ها صدای خود را بیشتر انعکاس بدهند به  
همان اندازه خود را مؤقتر می شمارند. در یک  
حادثه تروریستی هدف، از بین بردن آرامش و نظم  
جامعه، دیگگون کردن زندگی اجتماعی و سوق  
دادن انسان ها به نگرانی می باشد. هدف تا حد  
ممکن از بین بردن انسان و تسلط بر مال و ناموس  
است. قاعده اش توهین انسان و زیرپا کردن شرف  
و حیثیت اش است. برای عاملین بی قلب ترور،  
بی نظمی و بی رحمی اساس و اصل است.

حال سوال این است کسی که مورد حمله  
تروریستی قرار گیرد و کسی که از تلویزیون آن را  
تماشا کند آیا هر دو یکی اند؟ آیا کسی که روز را  
با حادثه تروریستی آغاز کند و کسی که این مورد  
را در تیترو روزنامه ها بخواند، هر دو عین چیز را  
حس می کنند؟ آیا تفسیر و تعبیر کسانی که با  
اندک ترین تفاوت و شانس از حادثه تروریستی

نجات یافته باشند با کسی که آن را بعدا شنیده باشد، یکی است؟ بدون شک که همه این موارد تفاوت دارند. اما یگانه چیزی که تفاوت ندارد این است وقتی که نام از ترور برده می شود وحشت و دهشت به ذهن می آید.

اکثر اوقات پیدا کردن شبکه های پشت پرده لانه های ترور و گروه های ذینفع، ناممکن است. زیرا که این حامیان معلوم نمی شوند و کسی هم نمی داند که آنها در کدام گوشه پنهان شده اند؟ به جای آنها کسانی که آلت دست بوده به دست شان اسلحه و به جیب شان مقداری پول داده شده در صحنه هستند. این انسان های کراییی که به خاطر از بین بردن برادر توسط برادر و تسلط مسلمان بر مسلمان به صحنه آورده شده اند، چقدر بیچاره هستند. کار عجیب این است کسانی که با وعده ای اصلاح و راه اندازی بهتری و آزادتری اقدام به کار می کنند در انتهای کار فتنه و فساد بزرگ تری را به میان می آورند. این مورد در قرآن کریم چنین تذکر رفته است: «وقتی که به آنها گفته شود در روی زمین فساد نکنید آنها می گویند ما فقط اصلاح کنندگان هستیم. خوب بدانید که آنها مفسدین هستند اما متوجه این مورد نیستند» (بقره، ۱۱-۱۲).





یک واقعیت محض  
وجود دارد و آن  
اینکه تا سبب  
موجودیت این گروه  
های تروریستی از  
بین نرود و شبکه  
های که برای منفعت  
از اینها پشتیبانی می  
کنند، فاش نگردد، از  
بین بردن ترور امکان  
پذیر نیست.

## سکتور خشونت

این یک واقعیت است که امروز در جهان یک سکتور خشونت شکل گرفته است. کشورها، شرکت ها، گروه ها، افراد و حتی رسانه های موجود است که از طریق خشونت سود به دست می آورند. عاملین این سکتور جاهای آشوب جهان را آشیانه گرفته و تبدیل به یک تشکیلات شده اند. عاملین آن در بعضی جاها به شکل یک ایدیولوژی در بعضی موقع به شکل یک دین و مذهب در بعضی مورد به حیث یک هویت قومی



و در بعضی جاها به بهانه های فقر، بیکاری، نا  
برابری، بی عدالتی و فساد نمایان می شوند. آنها  
غوغا برپا کرده خرابی می کنند. هرچند واقعیت  
ها تغییر هم کنند موجودیت فکتور های تولید  
کننده، تطبیق کننده و تغذیه شونده از خشونت  
تغییر نمی کنند.

امروز یک قاعده دیگر غیر قابل تغییر ترور جهانی  
موجود است: منفعت بزرگ تغذیه شوندگان  
سکتور خشونت، گروه های مخرب پشت پرده،  
به اندازه وسعت حد ترور و جنگ، منفعت های

مادی شان را افزایش می دهند. آنها حمایت شان از گروه های ترور که از انجام وظیفه عاجز هستند و یا عمر شان به پایان رسیده است، را قطع کرده و گروه های تازه را به میان می آورند. گروه های تازه به میان آمده وقتی که با یک نام، هویت، نقش و هدف شروع به نفرت افگنی می کنند انسانیت یک ضربه دیگر می خورد. این دایر شریر بدون وقفه ادامه می یابد؛ هرچند قاتل و مقتول یا مغلوبین تغییر هم کنند سود برندگان تغییر نمی کنند.

شبکه های مختلط عقب خشونت و ترور مثل یک کوه یخ است. لازم است این کوهی که قسمت پنهانی آن نسبت به قسمت آشکار آن گسترده تر است، باید فهمیده شود. روابط پیچیده ترور در جهان مملو از غفلت و خیانت تحقق می یابد و فهمیده نمی شود که دست که به جیب که است؟ یا که چه کار می کند؟ قوی از ضعیف به شکل یک دام استفاده می کند و انسان های آلت دست شده به نام قوی دستان، خود را به چاه می اندازند.

## جهان تروریست

ترور بعضا می تواند مؤقتی باشد و بعضا هم روزها، ماه ها و حتی سال ها به شکل سیستماتیک ادامه

## ترور

یابد. ترور باعث خسارات جبران ناپذیر معنوی، فزیکتی و روحی می شود. حمله تروریستی توجه به زمان و مکان ندارد؛ می تواند در خانه، جای کار، کوچه، مدرسه، بازار و خلاصه در هر جا در مقابل آدم ظهور کند. ترور پروای روز، شب، عید، روز و شب های مبارک، رمضان و روزه را ندارد. بین کوچک و بزرگ، نوزاد و بچه، برادر خورد و بزرگ، زن و شوهر، جوان و پیر تفکیک نمی کند. تروریستی که مصئونیت جان انسان را قبول نمی کند، فاقد انصاف، وجدان، فراصت و بصیرت است.

تروریست از درد و عذاب دادن به دیگران دست بر نمی دارد. او در افسردگی روحی قرار دارد؛ اکثر اوقات تند، خودخواه، فاقد احساس و سادیست گونه عمل می کند. به انسان و ارزش هایی که انسان را ساخته احترام ندارد. زندگی، مرگ، خانواده، شرف، حیثیت، شفقت، مرحمت و محبت نزد او معنی ندارد. احساس وحدت، یکجاشدن، برادری و اشتراک گذاری وی از بین رفته است.

اکثرا در مقابل همه چیزعکس العمل نشان می دهد، عصبی می شود و مملو از خشم است. او

عصبی، متعصب و عقده‌ی‌ی است. هرچند در بین گروه در فکر پیدا کردن جای برای خودش باشد، او اصلاً تنها است. اعتماد به نفسش پایین و احترام به خودش ندارد. دارای ترس‌های بوده که در عقب جسارت کاذبش پنهان شده است. اگر اسلح داشت جسور است در غیر آن یک ترسو است و بس.

کسی که به ترور مبتلا شده باشد حتی برای والدین و برادرانش نیز بیگانه می‌شود. او از خود، از اصل، فرهنگ، دین، ملت و ارزش‌هایش گسیخته است. او در بین یک گسیختگی قرار دارد که او را در آخرین فلاکت از بین می‌برد. او خودش را با دستانش به سوی فلاکت می‌کشانند. او بیچاره‌ای است که از ترور کمک می‌خواهد و فکر می‌کند با استفاده از زور و نیرو می‌تواند مالک همه چیز شود.

تروریست‌ممثل گروه‌ای است که توجه به حق و حقیقت ندارد و همچنان از «دل سیاه‌هان» است. اصطلاح دینی همچو: الله، خداوند، آخرت، گناه، حرام و حلال نزد او معنی ندارد. به چیز مقدس، مبارک و محترم احترام ندارد. هرچند به خاطر منفعت‌اش به زبان از خدا یا دین یاد کند اما

## تروریست

**ممثل گروه  
ای است که  
توجه به حق و  
حقیقت ندارد  
و همچنان از  
«دل سیاه هان»  
است.**

قلبش ازهمچو موارد دور  
است. کارهایی که انجام می  
دهد نه به ایمان، نه به اعتقاد  
و نه هم به اسلام ربطی دارد.  
طبق این حدیث پیامبر (صلی  
الله علیه و سلم) که فرموده اند:  
«مسلمان کسی است که دیگر  
مسلمان ها از دست و زبانش  
در امان باشد و مؤمن کسی

است مردم در قسمت مصؤونیت جان و مال شان  
از او اعتماد داشته باشند.» (ترمزی، امان، ۱۲) از  
اینکه تروریست در کل یک دستگاه ضرر است با  
ایمان و اسلام هیچ ربطی ندارد.

تروریست که با قواعد اجتماعی و نظم زندگی  
اجتماعی در تقابل قرار دارد قهر و خشم خود  
را فقط با انفجار دادن، ویرانی، به آتش کشیدن و  
ریشه کن کردن از بین می برد. او یک شخصیت  
روباتی بوده و اراده و هویتش را هم تسلیم کرده  
است. او پوچ گرا است. کسانی که او را به میدان  
آورده اگر برایش بگویند نابود کن نابود می کند  
اگر بگویند خودت را نیز نابود کن خودش را نیز  
نابود می کند. در نزد او همه چیز مربوط به زندگی،



این انسان های کرایبی که  
به خاطر از بین بردن برادر  
توسط برادر و تسلط مسلمان  
بر مسلمان به صحنه آورده  
شده اند، چقدر بیچاره هستند.

انسان‌ها و نهادها بد است. او بنا بر تراوماهای از قبل داشته‌اش، مملو از حس انتقام‌جویی است. او با از بین بردن انسان‌های معصوم از زندگی، از انسان‌ها و از گذشته خودش انتقام می‌گیرد. او با انفجار دادن بمب‌جاسازی شده در بدنش از هر کس به شکل کلی انتقام می‌گیرد.

هرچند تروریست از بی‌عدالتی اجتماعی و سیاسی، نابرابری اقتصادی، محدود شدن حق و آزادی شکایت هم‌کند وقتی که قدرت را به دست می‌گیرد مثال‌های بی‌نظیر خشونت، قتل، خرابی و ویرانی را به نمایش می‌گذارد. به طور مثال: سرخ‌پوستان رادیکال کامیوچیا که با جنگ‌های چریکی قدرت را به دست گرفتند بین سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۷۹ با تعمیم اعمال بی‌مثل و مانند ترور در حدود دو میلیون انسان را به قتل رسانده‌اند. این تراژیدی که به نام «قتل عام کمبوچیا» در صفحات سیاه تاریخ درج‌گردیده کشور را به یک کشتار گاه و محل ظلم تبدیل کرده است.

ترور انسان را که علی‌الرغم با شرف‌ترین موجود بودنش برایش ارزش‌قایل نشده هیچ‌قاعده انسانی، اخلاقی و وجدانی را نیز نمی‌شناسد. در اصل باید گفت نژاد و ایدیولوژی فرد هر چه که



---

«وقتی که به آنها  
گفته شود در روی  
زمین فساد نکنید  
آنها می گویند  
ما فقط اصلاح  
کنندگان هستیم.  
خوب بدانید که  
آنها مفسدین هستند  
اما متوجه این مورد  
نیستند.»

(بقره، ۱۱-۱۲).

---

باشد برای تروریست فرق نمی کند در مجموع تروریست دشمن خود بشریت است. در اصل باید گفت نژاد و ایدیولوژی فرد هر چه که باشد برای تروریست فرق نمی کند در مجموع تروریست دشمن خود بشریت است.

### اضرار دیگر ترور

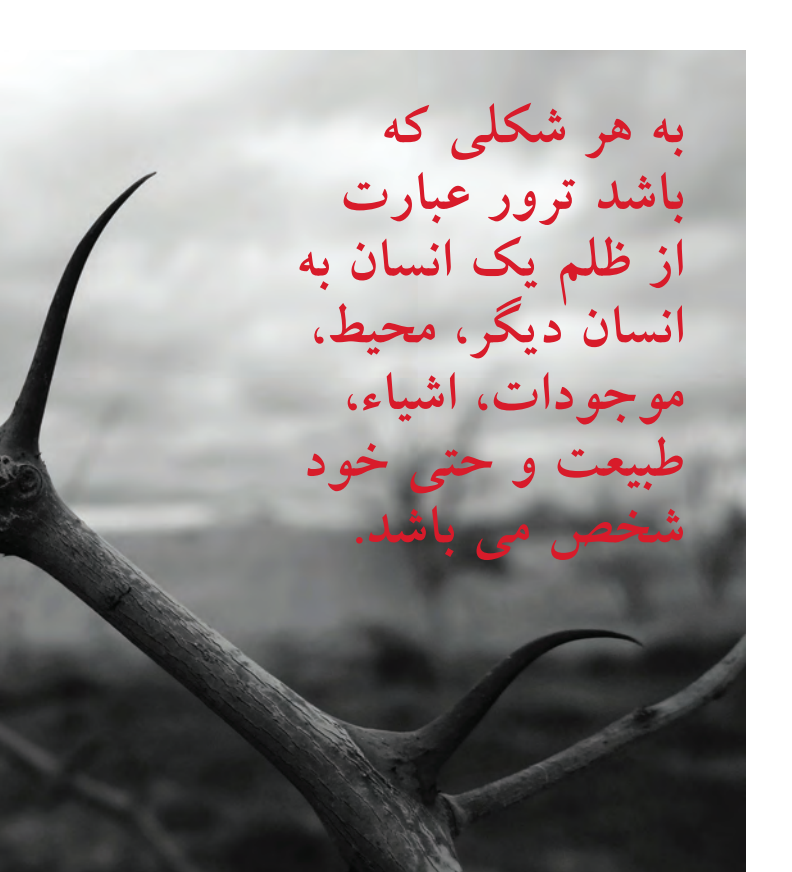
اولین ویژگی آشکار ترور اضرار نمایان باقی مانده بعد از تحقق اش است. مثلا خانه های ویران، متروک و غیر قابل استفاده، ساختمان ها، خودرو ها، مراکز تجارتی، مدارس، بیمارستان ها، پل ها و حتی معبدها... مثلا در کشور ترکیه به حدی خندق های حفر شده، چقرها و دیوارهای ساخته شده و بقایای تخریب شده را دیدیم، از بیرون وقتی که نگاه شود به طور عام همه آنها به شکل اضرار مادی نمایان شده و چنین تصور می شود که بعد از ختم ترور، همه اینها جبران می شوند. اضرار مادی که یاد کردیم هرچند هزینه اش گران هم باشد جبرانش امکان دارد. از سوی دیگر تلفات انسانی و نیروی کاری، تورم بر اقتصادی، با مشکل رو به رو شدن فعالیت های اقتصادی یا توقف آن، کاهش میزان سرمایه گذاری، توقف تولید نیز از

جمله اضرار قابل مشاهده ترور به شمار می رود. کشوری که با ترور مبارزه می کند مصارف دفاعی و امنیتی اش افزایش می یابد و منابع مورد نیاز زیر بنا، آموزش و صحت به مصارف امنیتی انتقال پیدا می کند.

همه این موارد تلفاتی اند که نباید دست کم گرفته شوند. اما مهم ترین آنها تلفات معنوی است که ترور به افراد و جوامع می رساند. لازم نیست بگوییم که زندگی زیر سایه جنگ و ترس از اصابت یک گلوله یا بمب انسان ها را تا چندی حد متأثر می سازد. خانواده ها، اقارب به خصوص زنان و اطفال به مراتب و بیشتر از اضرار اقتصادی ترور، ضرر ترور را مشاهده کرده و شاهد آن می شوند. چنانکه در یک جمله سنگین و زیبا گفته شده، «تاکتیک های جنگ، واحد های نظامی، سیاست، مرزها، سلاح ها... اینها همه حکایت مرد هاست. مسأله پشت پرده این حکایت زنده ماندن و به زندگی ادامه دادن در بین این همه جنگ و تنش است. که این کار حکایت زنان است. اما در بسیاری جاها از این حکایت هیچ بحث نشده است.

قصه و حکایت زنانی که در جنگ و از حادثات ترور، خانواده، شوهر، فرزندان و حتی ناموس خود را از دست داده اند، خیلی ناراحت کننده است. امروز صد هزاران زنی موجود هست که در نتیجه ترور، نزدیکانش را از دست داده، مجبور به ترک دیارشان شده و هر لحظه با ترس مورد استثمار قرار گرفتن زندگی می کنند. این مصیبت که ناموس و شرف زنان را آلوده می سازد و حیثیت شان را پامال می کند نه تنها امروز را؛ بلکه آینده و نسل جوان را نیز در تاریکی ها فرو می برد.

بی شک از نگاه تأثیرات بدنی و روحی کودکان نیز از جمله قربانیان اولی ترور هستند. حالت روانی یک کودک در موقع تهدید قرار گرفتن زندگی خودش، والدین اش، نزدیکان و دوستانش چه حالتی را به خود می گیرد؟ کودکی که در دوران کودکی اش نیاز به امنیت دارد اما در سایه بی امنیتی، کابوس و ترس بزرگ شود همچو یک آدم سالم چطور به بار آید؟ متأسفانه که نوزاد و کودک نیز برای ترور یک هدف است. کودک در وقت ضرورت یک سپر است. وقتی کودکی شاهد یک حادثه مرگ و ویرانی شونده باشد این حادثه



به هر شکلی که  
باشد ترور عبارت  
از ظلم یک انسان به  
انسان دیگر، محیط،  
موجودات، اشیاء،  
طبیعت و حتی خود  
شخص می باشد.

روی روانی اش خساراتی که ترمیم اش خیلی  
مشکل یا ناممکن باشد به میان می آورد. کودکان  
معصوم ترین و پاک ترین موجوداتی هستند که از  
شفقت و مرحمت محروم بوده و در حلقه آتش  
قرار دارند. کودکان اکثر اوقات از فلاکت هایی که  
ماحول شان را تصرف کرده، کثافت هایی که در  
اطراف شان است و از جنگ ها، هیچ خبر ندارند.  
وصیتنامه حنظله، کودک خوردسال فلسطینی که  
در بین ترور و گلوله ها بزرگ شده و با آن دل



کوچکش برای مادرش نوشته است، همه چیز را بیان می کند. وصیت نامه حنظله، کودک خورده سال فلسطینی که در بین ترور و گلوله ها بزرگ شده و با آن دل کوچکش برای مادرش نوشته است، همه چیز را بیان می کند. او در «وصیت نامه اش» چنین نوشته است. «در اینجا از روزی که من می دانم رنگ آسمان تیره بوده و بوی آتش و سوختگی می دهد. هر وقت که می گفتم مادر چرا اینجوریست؟ برایم می گفت غبار است و ابر و اقلیم خراب

است. آه راستی در این اواخر صداهای بم بم را می شنیدم. هر وقت که آن صدا بلند می شد مادرم با تلاش و عجله، حنظله من حنظله من گفته نزد آمدن گوش هایم را بند کرده گویا بالای سرم یک دیواری از گوشت می ساخت. وقتی که من می گفتم مادر چرا اینگونه است؟ برایم می گفت رعد و برق است زود می گذرد پسر. در اوایل به این قصه باور کرده بودم اما حال واقعیت را می دانم.

### اسلام و ترور یکجا ذکر نمی شود!

تا اینجا که ترور و اضرار آن را تشریح کردیم و حالا اگر در مورد ذکر دین مبین اسلام با ترور، حرف نزنیم یعنی موضوع را ناقص و نیمه تمام گذاشته ایم.

بعضی گروه ها اسلام را که نامش را از واژه سلام یعنی صلح گرفته، با بزرگ ترین دشمن آن که ترور است، یکجا ذکر می کنند. این شبکه ها در صدد این هستند که اسلام و ترور را به حیث اصطلاحات مترادف در اذهان جا بجا کنند. پنهان کردن خیانت، منفعت و سود خودشان و جلب توجه کردن به سوی خود، از اسلام استفاده می کنند. این اصطلاحات برای آنها از اهمیت

استراتیژی برخوردار است. و آنها جهت عملی نمودن نقشه و پروژه های که پشت درهای قفل طراحی شده اند، با اصطلاحات بازی می کنند. آنها با ذکر اسلام و ترور در کنار هم، در صدد این هستند که انسان ها حین شنیدن اسلام و مسلمان بترسند و از اینها فاصله بگیرند.

به جای اینکه اسلام را به حیث یک دین، فرهنگ و تمدن ببینند در فکر این هستند که با استفاده از سفسطه تروریسم اسلامی آنرا منبع بی نظمی، خشونت و ترس بینند و نشان دهند. آنها آخرین و کامل ترین دین را اینگونه معرفی می کنند که گویا عاری از اندیشه و منطق بوده همچنان تخریب کننده صلح و آرامش می باشد و ایدیولوژی بی معنی بوده که منبع ترور است. از یک طرف با دستان افراد فریب خورده و دارای مشکلات روانی، انسان ها را به قتل می رسانند از سوی دیگر زمینه حرف زدن علیه اسلام را فراهم نموده ذهنیت سازی می کنند. همچنان آنها مسلمان را به حیث یک جانی که به انسانیت و ارزش ها سوء قصد نموده باشند یا یک تهدید و تروریست پوتانسیالی انعکاس می دهند.



دین مقدس  
اسلام را به  
جای صلح  
و آرامش، با  
جنگ و ترس  
یاد کردن،  
بزرگ ترین  
خیانت به حق  
آن است.

در اصل در باره این شبکه های تاریک که سعی می کنند زمینه مستعمره خود گسترش بدهند، در صدد کاشت تخم های نفرت، قهر و دشمنی بین تجامع و ملت ها هستند که حرف فراوان برای گفتن است. بی شک می توان برای انسان های تهمت گر و کسانی که جهت استعمار نمودن زیر بناهای قیمت بها، زمین های حاصل خیز و نفوس جوان کشورهای اسلامی، از هیچ نوع بدی ابا نمی ورزند، در چندین صفحه پاسخ ارائه کرد. اما در اینجا به طور خلص به اصل موضوع کمی اشاره می کنیم و بس:

کتاب مقدس این دین که توسط ترور در حال بدنام شدن است چنین می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید! به شکل دسته جمعی به اسلام (صلح) داخل شوید. (بقره/۲۰۸). پیامبر (ص) این دین توصیه نموده است که از خدا متعال عافیت بطلبید. (بخاری، تمنی، ۸). پیروان این دین بعد از ادای هر نماز شان به پروردگار شان چنین دعا می کنند: «اللهم انت السلام و منک السلام تبارکت یا ذوالجلال و الاکرام» «ای خداند! صلح و آرامش از تو است؛ سلامت و آسودگی را تو می دهی. ای خداوند ذو الجلال و اکرام! تو چقدر مبارک هستی!»

وقتی که صد ها هزار انسان در بغداد، موصول، شام و حلب در زیر بمب ها به مرگ کشانده می شوند و یک مسلمان بدون پلک زدن یک مسلمان دیگر را به قتل می رساند، آیا در این شرایط کسانی که ترور را حمایت می کنند به دین سلام (اسلام) ایمان آورده اند؟

وقتی که در بیروت و ترابلس مسلمان ها در مساجد حین ادای نماز جمعه مورد شلیک قرار می گیرند، در پاکستان در روز های عید صدای اسلحه شنیده می شود و در قاهره انسان هایی که در جستجوی مشروعیت هستند، به سوی مرگ فرستاده می شوند، آیا می توان گفت در همچو یک حالت دین سلام فهمیده شده و جامعه صلح آمیز تأسیس گردیده است؟

وقتی که در جهان غرب وضعیت اسلام هراسی موجود باشد، ممثلین دین اسلام با ترس، تجرید و تهدید خشونت در مبارزه زندگی شان ادامه می دهند و تبلیغات گسترده مبنی بر اینکه مسلمان را قاتل و ظالم نشان دهد ادامه داشته باشد، در همچو حالت آیا امکان دارد که دین سلام به شکل درست آن تشریح و به معرفی گرفته شود.

## ترور

نخیر! نه این تضاد و ترور و نه ظلم و شکنجه محصول اذهانی که از اسلام تغذیه شده باشند، می باشد. چون اسلام عبارت از دعوت صلح گونه است که تمام ساکنین روی زمین را مخاطب قرار داده است. این دین عزیز را به جای صلح با جنگ و به جای آسایش و آرامش با ترس یاد کردن، بزرگ ترین خیانتی است که می توان به حق آن کرد. همه رویکردهای که از ایمان، عقل و حکمت دورند، اسلام را با ترور و عزا یاد می کنند سزاوار لعنت هستند. هر نوع ایمانی که دین مقبول را به حالت تذکر با ترور و اشک چشم در آورد، از عقل و حکمت دور است. نقد دین مبین اسلام با ترور هرگز قابل قبول نیست.

بیچاره هایی که در فکر بدنام کردن اسلام با اصطلاحات قالبی همچو ترور، هستند، کاپی مدرن کسانی هستند که همانند در تاریخ، حقیقت را با دروغ تبدیل می کنند. در مقابل سفسطه برداشت اسلام گرایی ترور دشمنان اسلام که اول خود شان آن را ساخته و بعدا به خاطر ادعای کثیف و خونین شان، آن را تولید می کنند، فقط جمله ذیل را می توان گفت: آفتاب با دو انگشت پنهان نمی شود!

## سخن اخیر...

دین اسلام که زندگی انسان را عزیز و مصؤون قبول کرده است، قتل بی مورد یک انسان را از جمله گناهان بزرگ قبول نموده است (مائده، ۳۲) دین حنیف اسلام گفته است کسانی که انسان را تحقیر می کنند، اذیت می کنند و خون او را می ریزد مورد قهر و غضب خداوند متعال قرار می گیرند. در قرآن کریم آمده است «کسی که یک مؤمن را قصداً به قتل برساند جزای وی دوزخی است که برای ابد در داخل آن باقی می ماند. خداوند بر او غضب نموده، او را لعنت نموده و برای او یک عذاب بسیار بزرگ آماده نموده است.» (نساء، ۹۳) پیامبر (ص) نیز فرموده اند کسی که یک انسان را به ناحق به قتل می رساند نمی تواند بوی بهشت را هم تنفس کند (بخاری، دیت، ۳۰).

همچنین اموال، ملک، زمین و وطن انسان ها نیز مصؤون است. زیرا پیامبر (ص) چنین فرموده اند «هیچ کس یک وجب زمین را هم به ناحق نگیرد! اگر چنین کرد خداوند در روز آخرت هفت طبقه زمین را به گردن وی آویزان می کند.» (مسلم،

مسابقات، ۱۴۱). محدودیت هایی که پیامبر (ص) وضع کرده معلوم است. زیرا او گفته است «کسی که چور و چپاول می کند از ما نیست!» (ترمذی، سیر، ۴۰)

پس می توان گفت ترور که با دین و ایمان، فضیلت و انسانیت، عقل و وجدان هرگز سرسازگاری ندارد در هر کجا و در مقابل هر کس که باشد، مستحق لعنت است. ترور که به خاطر گسترش بدی و مؤفقیّت بدکار و کشیدن زمین به حالت خراب کار می کند با در هر قالب و شعار باید رد گردد. زیرا امکان ندارد حق به ظالم باشد.

وقتی که فرصت قصمت کردن نعمت ها و زیبایی های خدای متعال موجود است، قربانی حرص شدن و به گردن یکدیگر چسپیدن چیست؟ وقتی که فرصت اعمار آینده با دست دادن به یکدیگر، زمینه ابراز مرحمت به یکدیگر، درک و تفاهم و زندگی صلح آمیز و راحت موجود است، برای یکدیگر این دنیا را یک دوزخ ساختن چیست؟ وقتی که فرصت صاحب شدن یک وطن یگانه و برادری موجود است، غفلت نموده به سوی هلاکت رفتن هیچ معنی ندارد.







